

بررسی کتاب ساختار و معنی در شعر عربی و فارسی در سده‌های میانه

به مناسبت چاپ دوم کتاب در سال ۲۰۰۷

دکتر مریم مشرف*

**Structure
and
Meaning**
in
Medieval Arabic
and Persian Poetry

Julie Scott Meisami

- Structure and Meaning in Medieval Arabic and Persian Poetry
- Julie Scott Meisami
- Routledge Curzon, 2003

شکوفایی خویش رهنمون می‌گشت. دورانی که به حق آن را عصر رنسانس اسلامی نامیده‌اند. نظریه ادبی در این دوران و قرن‌های بعد از آن چگونه شکل گرفت و اندیشه و مضمون، چگونه ساختارهای مشخص و قالب‌های خاص خود را پیدا کرد؟ خانم ژولی اسکات میثمی در کتاب «ساختار و معنی در شعر عربی و فارسی در سده‌های میانه» در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی از این دست برآمده است. در پاسخ به انتقادات برخی اندیشمندان غربی که تئوری‌های عالم ادبی شرق را ناکافی می‌دانند و معتقدند که «فقدان نظریه ادبی در شرق موجب عدم درک ساختارهای ادبی پیچیده می‌شود»، خانم میثمی ثابت می‌کند استنباطی که غربی‌ها در دوران جدید از مقوله تألیف یا *Compositio* دارند، در آن دوران نداشتند.

برخلاف دیدگاهی که شعر عربی و فارسی را اتمیستیک (جزء‌گرایانه) و مولکولی معرفی می‌کند، پروفیسور میثمی با بحث‌ها و کاوش‌های نظری و عملی عمیق و با طرح شواهدی از ناصر خسرو،

نظریه ادبی در عالم اسلام در طول چند سده به تدریج شکل گرفت و تدوین گشت. اندیشمندی با قومیت‌های مختلف در شرق و غرب قلمرو اسلامی در شکل‌گیری نظریه ادبی سهم داشتند. به‌ویژه سهم اندیشمندان ایرانی تبار چون ابن قتیبه دینوری خراسانی و عبدالقاهر جرجانی که او را پدر علوم بلاغی می‌نامند و نویسندگان ایرانی پرآوازه چون ابن مقفع، عبدالحمید و ابن عمید یا شاعران ایرانی چون بشار برد تخارستانی شاعر مبتکر و عاصی شعوبی، ابونواس اهوازی پایه‌گذار تغزل شاعرانه، ابوالعاهیه پایه‌گذار طریق زهد در شعر، ممشاد اصفهانی و دیگران را نمی‌توان نادیده گرفت. خلاقیت‌های ادبی در صور اسلام به تدریج بسترهای نظری مناسب خود را می‌یافت. الگوهای فکری و فرهنگی که به دنبال آموزش علوم ادبی و غیرادبی در میان ایرانیان، یونانیان، سریانی‌ها و هندی‌ها و دیگر ملت‌ها، از جمله اعراب، خود زمینه‌ساز خلق آثار تازه می‌شد و در تلاقی‌گاه شگفت‌انگیز اندیشه و فرهنگ، چون پلکانی زرین، تمدن اسلامی را به اوج دوران طلایی

طولانی این قصیده ۵۳ بیتی با توصیف رفتن رمضان آغاز می‌شود که در چهره مردی پیر ترسیم شده است. مهمانی گرمی که به موقع عزم رفتن کرده است تا صاحبخانه را ملول نکرده باشد:

رمضان رفت و رهی دور گرفت اندر بر
خنک آن کو رمضان را بسزا برد به سر
بس گرمی بود این ماه ولیکن چه کنم
رفتنی رفته به و روی نهاده به سفر
سیکی کرد و بهنگام سفر کرد و برفت
تا نگویند فرو هشت بر ما لنگر

نسیب قصیده با چند گریزگاه فریبنده همراه است؛ در ابیات ۹، ۱۴، ۱۸ شاعر ابتدا وانمود می‌کند که قصد دارد وارد مدیح شود؛ ولی نسیب را تا بیت ۳۶ که تخلص شعر است، ادامه می‌دهد. نسیب و مدیح قصیده بازتاب شریطی هستند که قصیده در آن سروده شده است. پادشاهی نیرومند در گذشته و جانشین او هنوز ثبات سیاسی ندارد. شاعر نیز وفاداری خود را که در میان ۲ پادشاه تقسیم شده است، به نوعی به نمایش می‌گذارد. در نیمه اول قصیده یعنی نسیب طولانی سی و شش بیتی، شاعر موضوعاتی را پیش می‌کشد که نوعاً با قراردادهای قصیده سازگار است؛ هرچند برای عید فطر چندان مناسب به نظر نمی‌رسد، با این‌همه زمینه را برای مدیح بعد از خود آماده می‌کند. مدیح با زبان عاشقانه ادامه می‌یابد که با زمینه قبلی تناسب دارد. انتخاب زبان عاشقانه به شاعر کمک می‌کند تا از بیان آشکار احساسات و اعتقادات سیاسی پرهیز کند. رفتن رمضان، یادآور پایان یافتن سلطنت سلطان محمود زاهد است. اشاره به «دلفروشان خراسان» بیزاری شاعر را از توطئه‌ای که در خراسان علیه امیرمحمد شد نشان می‌دهد؛ زیرا لشکریان خراسان در آن وقت در ماه مبارک به نفع پادشاهی مسعود اعلام حرکت کردند. فرخی حامیان خراسانی مسعود را دلفروش می‌نامد؛ دوستان بی‌وفایی که احساسات خود را به پول می‌فروشند:

تجدید مطلع

ای دریغا دل من کان صنم سیمین بر
دل من برد و مرا از دل او نیست خبر
او دلی داشت گرمی و دلی دیگر یافت
کاشکی من دلکی یافتمی نیز دگر
دلفروشان خراسان را بازار کجاست؟
تا دلی یابم از ایشان چو دل خویش مگر
اندین شهر کسی را دل افزونی نیست
ور بود نیز همانا نفروشد به زر

ابن عمید و شمس قیس، سعی دارد اثبات کند که در شعر عربی و فارسی نیز انسجام روح اثر و پیوند ارگانیک اجزای شعر وجود دارد. ایشان در فصل اول آراء اندیشمند بلاغی اروپایی جفری ونس آوف (Geoffrey of vins auf) را که اثر او موسوم به Poetica nova پرکاربردترین رساله در فن تصنیف و تألیف در اروپای قرون وسطی است، مطرح می‌کند و به مقایسه این آرا با آرا و عقاید شمس قیس و ابن طباطبا و ابن حزم قرطابخه‌ای، بلاغی‌های معروف عالم اسلام، می‌پردازد و با طرح شواهد نشان می‌دهد که سه مرحله ابداع معانی، تعبیه مبانی کلام و آرایش سخن در آراء هر دو طرف (اروپایی و اسلامی) دیده می‌شود.

نویسنده در ادامه بحث مشبعی درباره نظریه انواع ادبی می‌آورد و آراء اندیشمندان مسلمان را درباره نوع ادبی و رابطه آن با ساختار انتخاب‌های سبکی نقل می‌کند. در بحث از انواع ادبی در عصر عباسی، استحاله قصیده در قالب‌های ادبی تازه‌تر بیان می‌شود. ساختار قصیده که با ترکیب چند موضوعی خود در طول چند قرن به خوبی پرورش یافته و جا افتاده بود، در دوره عباسی از اواخر قرن دوم به بعد زمینه پیدایش گونه جدیدتر شعری شد. به این معنی که اجزای قصیده، نسیب و رحیل و و فخر و مدح و حکمت، رفته رفته بدل به انواع ادبی تازه‌ای چون خمربه، غزل و زهدیه و پند و اندرز شد و این گونه‌ها پایه‌ای فراهم ساختند برای انواع غزل‌های فارسی دوره‌های بعد و شعر عرفانی و دینی.

شرح مبانی کلام یا چینش فصل‌های شعر، مسأله آغاز، میانه و پایان شعر و نظریه‌های نقدی مختلف در این خصوص مطرح می‌شود. یکی از موضوعات مهم در ساختار قصیده که بسیار مورد توجه قدما هم بوده، تخلص یا گریزگاه شعر است. یعنی گریز زدن از نسیب به مدیح که غرض اصلی شاعر بوده یا از یک مطلب به مطلب دیگر. نویسنده در این خصوص به دنبال بحثی اصطلاح‌شناختی و نقل نظریات مختلف درباره انواع تخلص، استطراد، الهام و اقتضاب، گریزگاه چند قصیده معروف را تحلیل می‌کند. غور کامل در مباحث نظری کتاب در این مجال اندک میسر نیست و کاوش در این عرصه کنجکاوای جان علاقه‌مندان و پژوهشگران را می‌طلبد تا خود با مطالعه کتاب بهره‌وافی از آن ببرند؛ ولی به منظور آشنایی بیشتر با روش عملی نویسنده و شیوه ایشان در تحلیل رابطه ساختار و معنی در شعر، در زیر بخشی از تحلیل ایشان را درباره قصیده‌ای از فرخی سیستانی نقل می‌کنیم. صحبت از قصیده‌ای است که فرخی به مناسبت عید فطر سال ۴۲۱ خطاب به امیر محمد، پسر و جانشین موقت سلطان محمود غزنوی، فقط چند روز قبل از خلع و عزل آن شاهزاده به نفع برادر خود مسعود سروده است. نسیب



در قسمت مدیح، شباهت ظاهری امیرمحمد به پدرش، سلطان محمود، مطرح شده و این تصور عمومی را به نمایش می‌گذارد که امیرمحمد بیش از مسعود به پدرش شباهت داشته است. شاعر، ممدوح خود را به جای خورشید که متداول‌تر است، به ماه تشبیه می‌کند تا اهمیت کمتر او را نسبت به پدرش به طور غیرمستقیم بیان کند. در عین حال تأکید نسبی بر تازه بودن جشن و عید فطر، مؤید بی‌تجربگی امیرمحمد است و تمایل او را به تحمل نشان می‌دهد. تضاد میان رمضان زاهد و پیر با عید تازه از راه رسیده، به‌طور غیرمستقیم تفاوت میان شاهزاده کتاب‌خوانده ولی عشرت‌پرست را با پدر متوفایش گوشزد می‌کند.

از دیگر قصایدی که به این روش تحلیل شده، قصیده ۲۸ دیوان منوچهری در مدح سلطان مسعود است که چند ماهی پیش از شکست نهایی مسعود از سلجوقیان در دندانقان در سال ۴۳۱ سروده شده است. منوچهری به مناسبت نزدیک شدن نوروز سال ۴۳۰ و فرارسیدن جشن سده، قصیده مدحیه‌ای برای سلطان مسعود سرود. در این قصیده منوچهری

از پیروزی مسعود بر امیر قراخانی، بورتگین، یاد کرده است که در سال ۴۲۸ در نواحی شمالی قلمرو غزنویان تاخت و تاز می‌کرد. در زمستان آن سال مسعود با بورتگین جنگید و با ساختن پلی بر جیحون به تعقیب او پرداخت؛ ولی پس از عقب‌نشینی بورتگین به سرعت بازگشت و این امر به جری شدن سپاه خصم و سرکشی‌های بیشتر انجامید.

بر لشکر زمان نوروز نامدار

کرده است رای تاختن و قصد کارزار

وینک بیامده‌ست به پنجاه روز پیش

جشن سده، طلایه نوروز و نوبهار

آری هر آنگهی که سپاهی شود به رزم

ز اول به چند روز بیامد طلایه‌دار

این باغ و راغ ملک نوروز ماه بود

این کوه و کوهپایه و این جوی و جویبار

در این قصیده ضمن یک استعاره گسترده از مسعود خواسته شده که لشکریان بورتگین را تعقیب و کار جنگ را یکسره کند. در ضمن شاعر به این ویژگی سلطان مسعود اشاره می‌کند که به شنیدن پند و اندرز روی خوش نشان نمی‌داد. شاعر به جای مکت بر پیروزی‌های

شاه و مدح آن، نسبی وصف بهار را تا ۴۳ بیت ادامه می‌دهد. بهاری که در آینده خواهد آمد و در آنجا در تخلصی ناگهانی به موضوع پل و عبور از آن اشاره می‌شود. دلیل اینکه تخلص تا اینجا به تأخیر افتاده، نزدیک بودن خطر و تزلزل سیاسی مسعود است:

گر شاه ما نکشت ورا بود از آن جهت

کز عار و ننگ هیچ امیری نکشته مار

شاعر به عملی ناتمام اشاره می‌کند. کسانی که با دقت این قصیده

منوچهری را خوانده باشند و یا دوباره از این منظر به آن بنگرند، متوجه

نکاتی که خانم میثمی هوشمندانه به آنها اشاره کرده است می‌شوند.

در قصیده منوچهری نوروز هنوز به زمستان حمله نبرده بلکه فقط نیت

خود را بیان داشته است. ترتیب کلام طوری است که مرز بیان نسبی

و مدیح دقیق نیست و قسمت دوم شعر به دعایی طولانی مانند است با

مدیحی مختصر که شاعر چندان به آن رغبت نشان نمی‌دهد؛ همچنان

که تخلص دیر هنگام در قصیده فرخی نیز حالتی مشابه دارد.

نویسنده در فصل‌های بعدی کتاب به همین صورت بحث‌های

نظری را با شواهد عملی همراه کرده است. وی نشان می‌دهد که

رابطه فرم و محتوا در شعر عربی عصر جاهلی تا حدی شکل گرفته

راهکارهای دیگر از جمله کاربرد حروف الفبا، استفاده از گفت‌وگو، حکایات و مناظره.

بخش هفتم با نام آرایش شعر: شامل برداشت‌های موجود از مفهوم آرایش، آرایش و ساختار پنج صورت از صنایع بدیعی، آرایش، ساختار از منظر محاسن کلام، آرایش و ساختار از منظر دیگر آرایه‌های ادبی.

بخش هشتم با نام آرایه‌های شعر: استعاره و تخیلی شامل مباحث زیر: مشکلات استعاره عنصر تخیل و وحدت و یکپارچگی شعر، کاربرد تصویر در مقام استدلال به شاعر و عالم طبیعت، بهشت‌های زمینی، تخیل باطنی (رمزگرا و عرفانی).

بخش نهم با نام نتیجه‌گیری: پیوستگی و انسجام شعر شامل بحث واژگان و صور خیال و موضوع برتری‌های سبکی؛ جمع‌بندی نکات پایانی.

در پایان کتاب یادداشت‌ها، کتاب‌شناسی و اندکس قرار دارد. از فواید جانبی این کتاب‌شناسی این است که بسیاری از بهترین تحقیقات سال‌های اخیر را در حوزه ادبیات فارسی شامل می‌شود.

معرفی نویسنده

خانم ژولی اسکات میثمی، پروفیسور زبان فارسی مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه آکسفورد. از کتاب‌های ایشان شعر فارسی در سده‌های میانه دانشگاه پرینستون (۱۹۸۷)، ترجمه بحرالوفاد (آینه شاهان) (۱۹۹۱)، ترجمه هفت پیکر نظامی (۱۹۹۵)، تاریخ‌نگاری در زبان فارسی (۱۹۹۹)، دایرة‌المعارف ادبیات عرب با همکاری پل استارکی (۱۹۹۸) و از مقالات ایشان تاریخ‌نگاری در عهد شاه عباس، تاریخ و اندیشه اسماعیلیه، شعر مدحی فارسی ارزش‌های اخلاقی و شگردهای بلاغی آن، عالم صغیر در قصاید فارسی، چهره فردی و قراردادهای نوعی در غزل فارسی (۱۹۹۹)، گویندگان و شنوندگان ضمنی در غزل حافظ (۱۹۹۱). مدتی نیز سردبیری مجله ادبیات را که نشریه تخصصی ادبیات خاورمیانه است، عهده‌دار بوده‌اند.

کتاب در ۵۰۲ صفحه ۹ فصل به همراه یادداشت‌ها، کتاب‌شناسی و فهرست اعلام تنظیم شده است. چاپ اول کتاب را در سال ۲۰۰۳ روتلز منتشر کرد و چاپ دوم کتاب در سال ۲۰۰۷ از طرف انتشارات کیندلر منتشر شده است.

پی‌نوشت

* عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

بود. نویسنده با بررسی نمونه‌هایی از شعر «تأبط شراً» چهره شاعران «صلوک» را معرفی می‌کند. چهره‌ای که بعدها در نوع شعر خمربه و مَجون به حیات خود ادامه می‌دهد. در این نوع شعر شخصیتی توصیف می‌شود در حاشیه جامعه، با زندگی‌ای متفاوت با طرزهای پذیرفته شده اجتماعی. شخصیتی که همراهی همپالکی‌های خود را بر قبول عام برتری می‌نهد و بدین‌گونه به حیات خود در خمربه ادامه می‌دهد. ساختارها و درونمایه‌های شعر مراحل مختلفی را از سر می‌گذرانند. مضمون فخر قبیله‌ای، در شعر شاعران شعوبی مبدل به ستایش عنصر ایرانی می‌گردد. در زهدیه، وعظ جایگزین مدح می‌شود و دعای در حق ممدوح، در اشعار زهدآمیز، جای خود را به طلب رحمت پروردگار می‌دهد. خمر و مَجون، ساختارها و مضمون‌های خاص خود را در شعر فارسی ادامه می‌دهند. جدال بهار و زمستان در قصاید منوچهری، بدل به جدال کفر و دین در سروده‌های ناصر خسرو می‌شود. نویسنده با تحلیل شعرهایی از خاقانی و انوری، مراحل تغییر و تبدیل درونمایه‌ها را دنبال می‌کند و بدین‌ترتیب خاقانی از سوگواری بر اطلال در شعر بختری نتایج متفاوتی در قصیده ایوان مداین می‌گیرد و زهدیات ابوالعاطیه را به طرزی خاص در قصاید پندآمیز خود به کار می‌بندد. کتاب «ساختار و معنی در شعر عربی و فارسی» به گفته نویسنده، حاصل بیست سال کار و زحمت مداوم ایشان بوده و خواندن آن برای همه دانشجویان و استادان زبان عربی و فارسی سودمند است.

در ادامه عنوان فصل‌های کتاب ملاحظه می‌شود.

بخش اول، مقدمه بحث: شامل معرفی مختصر، زمینه‌های مقایسه، نظریه ادبی در قرون وسطی در جستجوی وحدت و یکپارچگی، صنعت شعر، نظریه‌های سرودن شعر.

بخش دوم، ابداع: شامل مفاهیم ابداع یعنی برداشت‌هایی که از آن می‌شود؛ ابداع، شبیه‌سازی و انواع ادبی ابداع و انواع ادبی در غزل فارسی.

بخش سوم با نام و چینش اجرای شعر: تبیین بخش‌های شعر، شامل مفاهیم کارگزاری یا برداشت‌های موجود از مفهوم کارگزاری که از آن می‌شود، سرآغازها در شعر، گریزگاه‌ها، پایان‌بندی شعر.

بخش چهارم، چینش اجزای شعر: تبیین ساختارهای بزرگتر شامل بخش‌بندی شعر؛ تناسب و توازن، تقویت، تلخیص، تغییر موضوع، شکل شعر.

بخش پنجم با نام چینش شعر از منظر سازگار کردن قصیده با اغراض گوناگون: شامل کاربردهای نسبی، نسبی و هجا، دگرگونی‌های ممکن در شکل و صورت قصیده.

بخش ششم با نام چینش شعر از منظر گوناگونی‌های ساختار: شامل دو قسمت مضمون‌سازی با عناصر مکانی و عددی؛